

# نامهٔ پولس رسول به فلیمون

## مقدمه

فلیمون یک پیرو نامدار عیسی مسیح و عضو کلیسا در شهر کولسیه بود. او غلامی داشت به نام اونیسیموس که از نزدش فرار کرده بود و شاید از اموال او نیز دزدیده بود. طبق قوانین روم، مجازات این غلام مرگ بود. او با ارادهٔ خدا با پولس که در آن زمان در زندان بود، تماس گرفت. اونیسیموس به وسیلهٔ پولس، به عیسی مسیح ایمان آورد. پولس با این نامه اونیسیموس را دوباره به فلیمون برمی گرداند و از او تقاضا می کند که با غلام فراری اش، آشتی نماید. همچنان پولس از فلیمون می خواهد که با اونیسیموس مهربان باشد و از او نه به عنوان یک غلام، بلکه به عنوان یک برادر مسیحی، استقبال نماید.

## فهرست موضوعات

پیشگفتار: ۱ - ۳

محبت و ایمان فلیمون: ۴ - ۷

درخواست برای اونیسیموس: ۸ - ۲۲

سخنان پایانی: ۲۳ - ۲۵

## پیشگفتار

<sup>۱</sup> این نامه از طرف پولس که به خاطر عیسی مسیح زندانی است و از طرف برادر ما تیموتاوس، به دوست و همکار ما فلیمون، <sup>۲</sup> به خواهر عزیز ما اپفیه، برادر ما آرخیپس که مانند یک سرباز با ما همکار است و به کلیسایی که در خانهٔ تو تشکیل می شود، تقدیم می گردد. <sup>۳</sup> فیض و سلامتی از طرف پدرآسمانی ما خدا و سرور ما عیسی مسیح به شما باد.

## محبت و ایمان فلیمون

<sup>۴</sup> من همیشه در دعاهایم نام تو را یاد می‌کنم و خدا را به خاطر تو شکر می‌گویم، <sup>۵</sup> زیرا از ایمان تو به عیسی‌ای مسیح آگاه هستم و محبتی را که تو به تمام ایمانداران داری، می‌دانم. <sup>۶</sup> دعای من این است که شریک ساختن ایمانت با دیگران ثمربخش بوده و باعث شود که به دانش تو از همهٔ برکتهایی که در عیسی‌ای مسیح داریم، افزوده شود. <sup>۷</sup> ای برادر عزیز، محبت تو باعث خوشی بزرگ و دلگرمی بسیار در ما گردیده، زیرا دل‌های ایمانداران به وسیلهٔ تو، قوت تازه یافته است.

### درخواست برای اونیسیموس

<sup>۸</sup> با وجود این که من از طرف عیسی‌ای مسیح اجازهٔ آن را دارم که به تو امر کنم تا وظایف خود را انجام دهی، <sup>۹</sup> اما به خاطر محبت، صلاح دیدم که از تو تقاضا کنم و این کار را به عنوان پولس، مرد پیری که اکنون به خاطر عیسی‌ای مسیح زندانی است، انجام می‌دهم. <sup>۱۰</sup> از جانب فرزند خود اونیسیموس که در زندان، پدر روحانی او شدم، از تو تقاضایی دارم. <sup>۱۱</sup> او زمانی برای تو مفید نبود، ولی اکنون هم برای تو و هم برای من مفید است.

<sup>۱۲</sup> اکنون او را که از جان و دل دوست دارم دوباره نزد تو می‌فرستم. <sup>۱۳</sup> من می‌خواستم که او را پیش خود نگهدارم تا در مدتی که به خاطر خبرخوش زندانی هستم، او به عوض تو مرا خدمت کند. <sup>۱۴</sup> اما نمی‌خواستم که بدون موافقت تو کاری کنم تا نیکویی تو داوطلبانه باشد، نه از روی مجبوریت.

<sup>۱۵</sup> شاید اونیسیموس برای مدت کوتاهی از تو جدا شد تا او را برای همیشه بازبایی. <sup>۱۶</sup> اما اکنون او را نه مانند یک غلام بلکه بالاتر از یک غلام یعنی به عنوان یک برادر عزیز بپذیر. او که برای من این قدر عزیز است، چقدر بیشتر باید برای تو به عنوان یک انسان و یک برادر مسیحی، عزیز باشد. <sup>۱۷</sup> پس اگر مرا دوست واقعی خود می‌دانی، همان طوری که مرا می‌پذیرفتی،

او را نیز بپذیر. <sup>۱۸</sup> اگر به تو بدی کرده است، یا چیزی از تو قرضدار است، آن را به حساب من بگذار. <sup>۱۹</sup> من، پولس، این جمله را با دست خودم می‌نویسم: «من، همه چیز را به تو جبران خواهم کرد.» لازم نیست به تو یادآور شوم که حتی جان خود را هم به من مدیون هستی. <sup>۲۰</sup> ای برادر، از تو خواهش می‌کنم که در نام خداوند به من لطف نموده و دل مرا در مسیح قوت تازه ببخش.

<sup>۲۱</sup> من با اعتماد کاملی که به اطاعت تو دارم، این چیزها را به تو نوشتم. من می‌دانم که تو بیشتر از چیزی که من خواسته‌ام، انجام خواهی داد. <sup>۲۲</sup> همچنان، اطاقی برای من آماده کن، زیرا امیدوارم که دعاهای شما قبول شود و من نزد شما برگردم.

## سخنان پایانی

<sup>۲۳</sup> ایفراس که به خاطر ایمان به عیسی‌ای مسیح مانند من در زندان است، به تو سلام می‌رساند. <sup>۲۴</sup> همچنین همکاران من مرقس، آریسترخس، دیماس و لوقا نیز به تو سلام می‌رسانند. <sup>۲۵</sup> فیض خداوند ما عیسی‌ای مسیح با روح شما باد.